

# ریش سفید امریکایی



## کفش های دیموکراسی سه نمره بیای ما بزرگتر و بدون کمک ریش سفید امریکایی غیر قابل استفاده بود

یک مثل عامیانه داریم که می گویند : نخوردیم از آتش ولی کور شدیم از دودش این مثل بسیار خوب درین مورد صدق می کند که ملت افغان پا را از گلم پدرش بیشتر داراز کرده و شوق دیموکراس غربی و انتخابات آزاد کرد ولی به سزای این نمک حرامی در حق فرهنگ کهن بومی و تاریخ پر افتخار پنجهزار ساله اش از دیموکراسی و انتخابات آزاد چیزی بدید که بر مزار سلاطین و پادشاهان قدیم با همه قساوت و جنایت تاریخی شان بایست صد بار دعای رحمت خواند.

این یک واقعیت غیر قابل انکار است که سلاطین و حکمرانان قدیم خود را منحصیث ظل الله و سایه خدا لایق شبانی رمه ملت دانسته و عوام کالانعام را به اطاعت و فرمان روایی مطلق از خویش مکلف میدانستند و تا نفس در بدن داشتند بر رعیت بیچاره حکومت می کردند و پس از مرگ اکثرا بین جاه نشینان شان بر سرتصاحب تخت و تاج پادشاهی

منازعاتی رخ میداد که به قتل و کشتار و کور کردن طرفین دعوی منجر می گشت

اما در اکثر حالات ملت ازین کشمکش های انتقال قدرت خیلی متضرر نگشته و حتی از آن درست مطلع هم نمی گشتند و خیلی بدان علاقمند هم نبودند چون برای ایشان بی تفاوت بود که خون شان توسط کدام خفاش تاجدار مکیده می شد.

اما با آنهم مردم خاطرات خیلی خوشی از شیوه خشن و حتی خونین انتقال قدرت در گذشته نداشتند و آرزو کردند که از برکت دیموکراسی غربی یکبار شاهد انتقال قدرت به صورت مسالمت آمیز از طریق انتخابات آزاد گردند و برای نیل بدین آرزوی شان حتی دو مرتبه خطرات احتمالی کشته شدن و قطع انگشتان شان را نیز به گردن گرفته در انتخابات سهم گرفتند .

ولی با کمال تاسف نتیجه این انتخابات خیلی بد تر از آن بود که ملت تصورش را می کرد .

چونکه اگر در نظام های های سلطنتی و دیکتاتوری قدیم انتقال قدرت با عث ایجاد تنش میان شهزادگان و کور کردن و قتل و کشتار آنها می گشت حالا خیلی بد تر از آن این انتقال قدرت ذریعه دیموکراسی و انتخابات آزاد تمام ملت را به دشمنی و خصومت در مقابل هم قرار داده و خطر نابودی و هلاکت تمام جامعه را تهدید می کند.

استماع این خبر ناگوار از طرف صادرکنندگان دیموکراسی موجبات ناراحتی و تعجب آنها را فراهم ساخت چونکه چنین چیزی در تاریخ صدور دیموکراسی وجود ندارد که دیموکراسی و انتخابات آزاد در کشوری باعث ایجاد تشنجات و کینه و خصومت میان مردم شده باشد.

این بود که جان کری وزیر خارجه امریکا برای یافتن علت این معضله فوراً روانه کابل شده و بعد از اندکی تحقیق و تجسس دریافت که درین انتخابات اصلاً بجای انتخابات تقلبات صورت گرفته و در بین هر چند صد تقلبی یک رای اصلی هم به صندوق ها انداخته شده . زمانیکه او جویای علت اینهمه تقلب گشت شنیدن چنین سوال احمقانه برای افغانها و جواب سوال برای او خیلی جالب و غیر قابل باور بود.

افغانها در جواب سوال جان کری خیلی حق بجانب گفتند که چنین چیزی را دولت امریکا هنگام صدور دیموکراسی با ما در میان نگذاشته و از ممنوعیت تقلب در انتخابات سخن نگفته بود و از جانب دیگر تقلب جز لایتنجری سنن اجتماعی ماست که بدون آن نظم جامعه ما بهم خواهد خورد لهذا ما اگر هم می خواستیم نمی توانستیم در امری مهم اجتماعی چون انتخابات ریاست جمهوری از آن استفاده نکنیم.

اینجا بود که جان کری متوجه عمق معضله یعنی اشتباه بزرگ صدور دیموکراسی در کشوری چون افغانستان گشت و برای اینکه لعل بدست آرد و هم دل یار نرنجانند ، هم بینی خمیری برای دولت امریکا درست کند و هم بجای کفش دیموکراسی چپلی وطنی به پای

سیاستمداران افغان کند پدیده جدید حکومت وحدت ملی را به میان آورد که در حقیقت قومکراسی و سهمیه سالاری را جاگزین دیموکراسی و شایسته سالاری کرد. حالا امیدوارم که تیکه داران قومی ما که در امر دیموکراسی و شایسته سالاری آبروی کشور را در سطح جهانی برباد دادند حد اقل اهلیت و لیاقت ایجاد یک حکومت وحدت ملی بر پایه های تعادل قومی را داشته باشند که باز هم طشت رسوایی شان را از بام بلند پرتاب نکنند که بار دیگر جان کری برایشان پوقانه و جرنگانه تحفه آورده و میان شان ریش سفیدی نکند.

با تقدیم \_\_\_\_\_ رمت  
حق\_\_\_\_\_ (شمس الحق)\_\_\_\_\_انی